

گفت‌وگوی «فرهیختگان» با حسین پارسایی دربارهٔ بازتولید نمایش موزیکال «الیور توئیست»

تئاترهایم گران است، کم‌فروشی نمی‌کنم



محمدحسین سلطانی

خبرنگار گروه فرهنگ

وقتی اوگتی (سازنده و رانندازی کننده تئاتر سنتی ژاپن یا همان کابوکی)، به همراه دخترهای بازیگرش روی بسن دایره‌ای و گردان تئاتر ژاپنی می‌رفتند، قطعاً گمان نمی‌کردند روزگاری به‌جای سامورایی‌های اشرافی و طبقهٔ فرودست کیوتو (شهری در شرق ژاپن)، مردمی از غرب دور رویه‌روی ابداع او در تئاتر بنشینند. اوگتی اولین کسی بود که تخته چوبی دایره‌ای را برداشت و با چرخ‌دنده‌ای زیرش تئاتر گردان را خلق کرد که سامورایی‌ها از حرکت و جابه‌جایی صحنه انگشت‌به‌دهان بمانند. درست در همان زمان شاه‌سلطان حسین صفوی در ایران حکمرانی می‌کرد و «تئاتر» هنوز پیش به ایران باز نشده بود و ناصرالدین‌شاهی نبود که سوغاتی از فرنگ بیاورد. حدود ۲۰۰ و چند سال پس از آن روزها، یک‌نمایش با همان تخته چوبی گرد (البته کمی بزرگ‌تر) روی صحنه می‌رود. داستان از سالی شروع می‌شود که چراغ‌هایش خاموش شده، تماشاگران منتظرند یکی از سیاسی‌ترین نوشته‌های دیکتور روی صحنه برود؛ نمایش موزیکال «الیور توئیست» است به کارگردانی حسین پارسایی. از اواخر مهر ۱۴۰۴ در استادیوم تیس مجموعه انقلاب اجرا می‌شود و از تولیدات پرستاره این سال‌های نمایش کشور محسوب می‌شود. حضور هوتن شکیبا، بهنوش طباطبایی، بانینال شومون، سیامک انصاری و کاظم سیاحی به‌چشم می‌خورد و مخاطب‌پرلیشان سوت می‌کشد و کف می‌زند. دیگر خبری از سامورایی هانیتس، طبل و کابوکی هم وجود ندارند. از دوسوی سالن نور زوری پرده می‌افتد و کم‌کم پرده کنار می‌رود. سن شروع به چرخیدن می‌کند و یک دکور چهاروجهی مخاطب را با انگلیس پس از انقلاب صنعتی روی‌پرومی‌کند. کمی بعدتر از ماجراهای کابوکی و قصه‌هایش، حالا کارگردان این معرکه و به‌ره‌روی مانسته است. پارسایی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از مسیر حرفه‌ای خود، نگاهش به تئاتر موزیکال، اقتصاد تئاتر خصوصی و علت بازتولید «الیور توئیست» پس از هشت‌سال می‌گوید.

■ ■ ■

شروع فعالیت‌های حرفه‌ای شما به دهه ۶۰ برمی‌گردد؛ اما در سال‌های اخیر نامتان با اجرای نمایش‌های موزیکال گروه‌خورده است. ایده حرکت به سمت این مدل از نمایش از کجا آغاز شد؟

من از نوجوانی علاقه‌مند به موسیقی بودم. در دوران ما منابع و تئاتر‌های موزیکال خیلی محدود بود؛ اما همان انیمیشن‌ها و فیلم‌های اندکی که حال‌وهوای موزیکال داشتند برایم الهام‌بخش بودند. بعدها که دسترسی به منابع بین‌المللی بیشتر شد، به دنبال این علاقه رفتم. همیشه تمایل داشتم نمایشی بسازم که زبان شاعرانه و موسیقایی داشته باشد. برای من نمایش موزیکال فقط فرمی اجرایی نیست، بلکه زبانی برای گفت‌وگر با احساسات انسان است. آن زمان اصلاً به وجه تجاری و بیزینسی این کار فکر نمی‌کردم و هنوز هم نمی‌کنم. هدف من کشف بود، نه درآمد. دلم می‌خواست کاری انجام دهم که حرفه‌ای و تأثیرگذار باشد، طوری که تماشاگر آن را بپذیرد و دوست داشته باشد. در واقع سال‌ها حتی در تئاتر‌های اجتماعی، سعی می‌کردم به نوعی از موسیقی و ریتم بهره ببرم تا تجربه‌ای شبیه موزیکال ایجاد کنم. دو نسخه سینمایی موفق از «الیور توئیست» و «پینوای» برایم الهام‌بخش بودند. احساس می‌کردم این آثار می‌توانند زمینه‌ای برای تجربه‌ای تازه در ایران باشند تا بعد بتوانم آن تجربه را در قالب مضامین ایرانی ادامه دهم. از همین جا بود که نگاه جدی من به تاتر موزیکال شکل گرفت و حالا تقریباً تمام کارهایم با موسیقی درآمخته است.

برخی منتقدان معتقدند شما با جسارت از نسخه‌های جهانی اقتباس می‌کنید.

■ ■ ■

«فرهیختگان» از تولیدات تازهٔ سینمای انیمیشن در سال پیش رو خبر می‌دهد

منتظر انیمیشن جدید باشید



مریم فضایی

خبرنگار گروه فرهنگ

انیمیشن در دنیای امروز دیگر صرفاً یک ابزار سرگرمی نیست، بلکه به یکی از قدرتمندترین رسانه‌های فرهنگی و آموزشی تبدیل شده‌است. آثار انیمیشنی می‌توانند مفاهیم عمیق اخلاقی، تاریخی و اجتماعی را در قالبی جذاب و قابل‌فهم برای همه گروه‌های سنی به‌ویژه کودکان و نوجوانان منتقل کنند. درحالی‌که فیلم‌های زنده معمولاً محدود به مرزهای زبانی و فرهنگی هستند، انیمیشن به‌واسطه زبان جهانی تصویر و تخیل، مخاطبین بین‌المللی دارد و می‌تواند سفیر مؤثری برای فرهنگ و ارزش‌های ملی باشد.

در جهان امروز کشورهایی چون ژاپن، آمریکا و فرانسه با سرمایه‌گذاری هدفمند در صنعت انیمیشن، نه‌تنها اقتصاد فرهنگی خود را رونق داده‌اند، بلکه روایت فرهنگی‌شان را به‌یک‌ی از مؤلفه‌های قدرت‌نرم تبدیل کرده‌اند. برای ایران نیز که گنجینه‌ای از اسطوره‌ها، قصه‌ها و ارزش‌های بومی دارد، انیمیشن می‌تواند بستری کارآمد برای بازآفرینی این میراث و انتقال آن به نسل جدید باشد. به همین دلیل توجه به تولید آثار فاخر در حوزه انیمیشن و سینما صرفاً آف‌آدم هنری نیست، بلکه بخشی از دیپلماسی فرهنگی و هویت‌سازی ملی محسوب می‌شود. ساخت انیمیشن سرمایه‌گذاری بر ذهن و آینده جامعه است. آینده‌ای که در آن تصویر، داستان و تخیل بیش از هر زمان دیگری حرف اول را می‌زند.

در این گزارش به سراغ انیمیشن‌های در حال تولید در ایران رفته‌ایم تا ببینیم مخاطب سینما در ماه‌ها و سال پیش‌رو باید انتظار چه آثاری را داشته باشد. انیمیشی‌هایی که برخی از آن‌ها در مرحله تولید و برخی در آستانه اکران قرار دارند و قرار است رنگ تازه‌ای به سینمای کودک و نوجوان کشور بدهند. این بررسی تلاش دارد تصویری روشن از وضعیت فعلی صنعت پویانمایی ایران ارائه دهد؛ از پروژه‌های بزرگ و فاخر تا آثار مستقلی که با امکانات محدود اما خلاقیت بالا در حال شکل‌گیری‌اند. آثاری که اگر ساخت درست و فیلمنامه و به جلویی داشته باشند، می‌توانند آینده سینمای ایران را تحت‌تأثیر قرار دهند.

■ **۸. انیمیشن در حال ساخت**

در حال حاضر هشت انیمیشن ایرانی در مراحل مختلف تولید قرار دارند؛ آثاری که هر یک به موضوعی متفاوت می‌پردازند و بخشی از ظرفیت تازه سینمای پویانمایی کشور را نشان می‌دهند. این پروژه‌ها طیفی گسترده از مضامین تاریخی، ملی، دینی و فانتزی را در بر می‌گیرند و برخی از آن‌ها با هدف حضور در جشنواره‌های بین‌المللی ساخته می‌شوند.

به گفته مسئولان سازمان سینمایی، تولید این آثار با همکاری استودیوهای داخلی و با بهره‌گیری از فناوری‌های جدید در زمینه گرافیک و موشن‌کیچر در حال انجام است. بخش قابل توجهی از این انیمیشن‌ها توسط جوانان خلاق و تحصیل‌کرده

چراساغ «الیور توئیست» رفتید و این اقتباس را چگونه تعریف می‌کنید؟

من همیشه صادقانه گفته‌ام که از نسخه‌های موفق جهانی الگو گرفته‌ام. در دوران تحصیل هیچ منبع علمی درباره تئاتر موزیکال در اختیار ما نبود؛ بنابراین وقتی می‌دیدم اثری در جهان موفق است، فکر می‌کردم چه اشکالی دارد ما هم با ذائقه و فرهنگ ایرانی آن را بازتولید کنیم؟ همه‌جا این اتفاق می‌افتد. در نسخه تئاتری «الیور توئیست» هم صراحتاً ذکر کردیم که این اثر اقتباسی از نسخه اصلی است. متن ابتدا ترجمه می‌شود، بعد بازنویسی می‌شود و در نهایت با فرهنگ و جغرافیای خودمان تطبیق پیدا می‌کند، در نتیجه اثری شکل می‌گیرد که هم به منبع اصلی ادای دیسن دارد و هم ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی ما را بازتاب می‌دهد. به نظر من آثار بزرگی چون «پینوای» و «الیور توئیست» از آن جهت جهانی‌اند که به درد مشترک انسان می‌پردازند، نه به جغرافیا. وقتی درباره انسان حرف می‌زنیم، از درد مشترک همه فرهنگ‌ها سخن می‌گوییم؛ بنابراین این اقتباس حاصرف‌آتر جمه نیستند، بلکه گفت‌وگویی فرهنگی میان ما و جهاناند.

چرا بعد از هشت سال تصمیم گرفتید دوباره «الیور توئیست» را روی صحنه‌ببرید؟

به‌نظرم همه کارگردان‌ها باید گاهی برگردند و کارنامه‌شان را مرور کنند. من هم بعد از حدود یک دهه احساس کردم زمان مناسبی است که دوباره به این اثر برگردم. نسل تماشاگر تغییر کرده و خود من هم تجربه‌های تازه‌ای دارم. در این فاصله، دو نمایش از شاهنامه، یعنی «هفت‌خان اسفندیار» و «نبرد رستم و سهراب» را کارگردانی کردم و حالا می‌خوامم با بازتولید «الیور توئیست» بین گذشته و امروز پلی بزنم. این بازتولید نه تکرار است و نه نوستالژی؛ فرصتی است برای گفت‌وگو با مخاطب امروز و به‌روزرسانی تجربه‌ای که در سال ۱۳۹۶ داشتیم.

ترکیب بازیگران امسال متفاوت است. چرتانم بازیگری جدید انتخاب شد و این انتخاب چه تفاوتی با گروه قبلی دارد؟

گذر زمان خودش تغییر می‌آورد. خیلی از بازیگران نسخه قبلی در دسترس نبودند یا دیگر پروژ‌های خودشان بودند و همکاری مجدد ممکن نبود. این اجرا هم



تصویر: ر.ا. هفت‌پران

بزرگداشت زنده‌یاد آتیلا پسیانی است. از سوی دیگر، هر اجرای تازه یعنی شروع از نقطه صفر، حتی اگر متن همان باشد، تجربه متفاوت است. در این دوره هوتن شکیبا، سیامک انصاری، کاظم سیاحی، بهنوش طباطبایی و بانینال شومون در کنار جمعی از بازیگران جوان و نوجوان حضور دارند. حضور این ترکیب جدید، انرژی تازه‌ای به کار داده است. برای من مهم نیست که بازیگر حتماً چهره معروفی باشد؛ مهم این است که تئاتری باشد و از پس نقش برآید. اگر بازیگر نتواند نقش را درست ارائه دهد، حتی شهرت هم کمکی نمی‌کند. در این گروه، همه به‌اندازه و در جای درست انتخاب شده‌اند و زبان مشترک خوبی میانشان شکل گرفته است.

شما به «بیگ‌بروداکشن» و نمایش‌های بزرگ علاقه دارید. چرا این فرم را انتخاب کرده‌اید؟

من همیشه کاری جمعی و پرهیجان بوده است. من عاشق صحنه‌های بزرگ، موسیقی زنده، حرکت و طراحی‌ام. البته تئاتر بزرگ به معنای تجمیل یا لاکچری بودن نیست. برای من کیفیت مهم است، نه اندازه؛ اما واقعیت این است که اجرای تئاتر موزیکال بدون امکانات گسترده‌فنی و نوین ممکن نیست. بازیگران معروف الزام نیستند؛ اما می‌توانند به جذب مخاطب کمک کنند. از سوی دیگر، تئاتر هنر گرانی است و نمی‌شود همیشه منتظر بود دولت بودجه بدهد. بخش خصوصی باید جسارت کند و ریسک بپذیرد. وقتی تهیه‌کننده‌ای مثل آقای جلیل کیاپاسیدم محمود شبیری پای کار می‌آیند، این فقط یک کار اقتصادی نیست؛ نوعی مسئولیت اجتماعی است.

اجرای نمایش در زمین تیس مجموعه انقلاب جسورانه به نظر می‌رسد. چرا چنین فضایی را انتخاب کردید؟

صادقانه بگویم، چاره‌ای نداشتیم. هیچ‌سالنی در تهران ظرفیت‌فنی لازم برای چنین نمایشی را ندارد. دکور ما محدود ۹۰۰ متر مربع با ارتفاع ۱۵ متر است و بیش از ۲۰۰ نفر در اجرا مشارکت دارند. چنین چیزی در سالن‌های معمولی ممکن نیست. همان‌طور که سال گذشته برای «نبرد رستم و سهراب» از فضای میدانی استفاده کردیم، این بار هم تصمیم گرفتیم استادیوم تیس را تبدیل به سالن نمایشی کنیم.

البته کار ساده‌ای نبود؛ از پوشش سقف موقت تا سیستم گرمایشی را تهیه‌کننده تأمین کرد. با وجود جنگ اخیر و تأخیر در آماده‌سازی فضا، همه گروه‌های فنی و اجرایی با عشق کار کردند. این عشق و احساس مسئولیت اجتماعی بود که باعث شد پروژه جلو برود.

با توجه به مشکلات و نبود حمایت دولتی، چرا همچنان بر تولید این آثار بزرگ اصرار دارید؟

چون تئاتر باشکوه را دوست دارم و به آن ایمان دارم. بودجه تئاتر در ایران ناچیز و قطره‌چکانی است. من خودم سال‌ها مدیر بوده‌ام و می‌دانم چه سختی‌هایی دارد؛ بنابراین امیدی به حمایت دولتی ندارم. اگر بخوایم منتظر بمانیم، تئاتر متوقف می‌شود. در طول چهار دهه گذشته مشکلات تئاتر تغییر نکرده است. همان گدایه‌های دهه ۶۰ هنوز وجود دارد؛ کمبود سالن، عدم حمایت، اعمال سلبقه‌های مختلف، نبود چشم‌انداز، گاهی بی‌برنامگی و... تنها بخش خصوصی است که می‌تواند با ریسک بالا و سرمایه خصوصی تئاتر را زنده نگه دارد. بعضی کارها سوده نیستند؛ اما گروه‌ها برای عشقشان کار می‌کنند. نمایشی بزرگ و پر هزینه مثل «الیور توئیست» با متوسط قیمت بلیت یک میلیون تومان، یعنی از ۳۹۰ هزار تومان تا یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان شاید بعد از ۶۰ اجرا تازه به نقطه سر به‌سر برسد. اما همین اجراها، کارآفرینی ایجاد می‌کند، انگیزه می‌دهد و تماشاگر را دوباره با تئاتر آشتی می‌دهد. این برای من مهم‌تر از سود اقتصادی است.

یکی از نقدهای تکراری درباره کارهای شما موضوع تأمین بودجه و هزینه بالای تولید است. واکنش شما به این نقدها چیست؟

من این را نقد نمی‌دانم، بلکه ویژگی این آثار می‌دانم. در سینما جذب سرمایه‌گذار عادی است، چرا در تئاتر باید منفی تلقی شود؟ اگر بتوانیم با سرمایه بخش خصوصی سالنی بسازیم، ده‌ها هنرمند را مشغول کار کنیم و اثری با کیفیت تولید کنیم، باید از آن حمایت کرد یا انتقاد؟! می‌گویند تئاتر‌های من گراند، بله، چون کم‌فروشی نمی‌کنم. کیفیت هنرینه دارد. شما اگر بخواید لباس یا غذای بهتر بخرید، طبیعی است که باید بیشتر هزینه کنید. در موسیقی، مردم برای کنسرت‌ها بلیت دو میلیون تومانی می‌خرند، چرا آنجا نمی‌گویند گران است، چون انتخاب کرده‌اند. تئاتر موزیکال هم همین‌طور است. بیش از ۱۰۰ بازیگر و نوازنده ماه‌ها تمرین می‌کنند. دکور عظیم ساخته می‌شود، نور و صدا با استاندارد حرفه‌ای تدارک دیده می‌شود. این هنر‌ها باید برگردد. من از بخش دولتی پول نمی‌گیرم و هیچ امکانی در اختیار من نیست. در حال حاضر فقط از مخاطبی که انتخاب کرده‌اند الیور توئیست یا نبرد رستم و سهراب را ببینند و بلیت بخرد حمایت می‌شوم. به‌نظرم وقت آن رسیده نگاه قدیمی و کلیشه‌ای به تئاتر تغییر کند. تئاتر بزرگ و با کیفیت نشانه تجمل نیست، نشانه جدیت و حرفه‌ای بودن و احترام به مخاطب است. ما باید یاد بگیریم به‌های واقعی هنر فاخر را بپردازیم.

در پایان، آیا برنامه‌ای برای اجرای نمایش ایرانی در آینده دارید؟

بله، حتماً. من همیشه دغدغه نمایش ایرانی و اسطوره‌ای را داشتم. بعد از دو نمایش از شاهنامه، در فکر اجرای بخش سوم از سه‌گانه اساطیری‌ام هستم؛ «افسانه سیلوش». در کنار آن، می‌خواهم تجربه‌های موزیکال را در قالب داستان‌های ایرانی ادامه دهم. هدفم این است که نسل جدید تماشاگران با میراث فرهنگی خوشان از طریق تئاتر موزیکال آشنا شوند. این ژانر می‌تواند پلی بین ادبیات کلاسیک و زبان امروز باشد. اگر بتوانیم این مسیر را با حمایت و پایداری ادامه دهیم، تئاتر ایران می‌تواند به جایگاه واقعی خودش برسد.

مناسب و داستان‌پردازی جذاب و به‌ر ویر شود، همراهی می‌کند و حتی خواستار ادامه ماجرا می‌شود. «پوز» با روایت قهرمانانه و ملی‌خود توانست به‌خوبی ارتباط عاطفی با تماشاگر برقرار کند و نمونه‌ای از اثری باشد که قابلیت تبدیل شدن به مجموعه‌ای چندفصلی را دارد. این تجربه ثابت کرد اگر پروژه‌ای با نگاه بلندمدت طراحی شود، می‌تواند نه‌تنها در داخل کشور، بلکه در بازار بین‌المللی نیز حضور مؤثر داشته باشد. «چهار رنگ» و «فیلساف» هم مانند پوز موفق و پر مخاطب بودند؛ اما ادامه‌دار نشدند. متأسفانه در فضای تولید داخلی، اغلب انیمیشن‌ها به‌سورت پروژه‌ای و مقطعی ساخته می‌شوند. یعنی تئ تولید پس از اتمام یک فیلم یا مجموعه، از هم جدا می‌شوند و سرمایه‌گذاری برای فصل‌های بعدی متوقف می‌ماند. نبود حمایت‌یادار مالی، ضعف در برنامه‌ریزی تولید و کمبود نهادهای تخصصی سرمایه‌گذار از جمله عواملی است که مانع تداوم تولید می‌شود. ادامه‌دار بودن آثار، علاوه‌بر تثبیت جایگاه انیمیشن در بازار داخلی، به‌شکل‌گیری شخصیت‌های ماندگار ایرانی نیز کمک می‌کند. شخصیت‌هایی که می‌توانند در ذهن کودکان و نوجوانان جای بگیرند و به‌مرور به بخشی از فرهنگ عمومی تبدیل شوند؛ همان‌گونه که شخصیت‌های کارتون‌ی ژاپنی یا آمریکایی در فرهنگ جهانی شناخته شده‌اند.

به‌نظر می‌رسد اکنون که صنعت انیمیشن ایران وارد مرحله‌ای جدی‌تر از رشد شده، زمان آن رسیده تا سیاست‌گذاران فرهنگی و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، به‌جای نگاه کوتاه‌مدت، برای تولید آثار سریالی و چندفصلی برنامه‌ریزی کنند. تنها در چنین شرایطی است که می‌توان امید داشت قهرمانان ایرانی در دنیای انیمیشن، در ذهن نسل آینده ماندگار شوند و سینمای پویانمایی کشور به جایگاهی پایدار در میان مخاطبان دست یابد.

■ **فقط برای کودک نسابد!**

انیمیشن تنها مختص کودکان و نوجوانان نیست. در بسیاری از کشورها بخش قابل توجهی از تولیدات انیمیشی برای بزرگسالان طراحی و ساخته می‌شود و نه‌تنها

انیمیشن‌های در حال ساخت		
نام انیمیشن	تهیه‌کننده	کارگردان
سرزمین قصه‌ها	محسن عبدالعلی	حمیدرضا حافظی
محمد (انیمیشن کوتاه)	رضوان پورعلی	امین جوادی
چوپان دروغگو	یوسف ملکی	یوسف ملکی
سیاره نوریا و نوری که گم شد	مسعود پورغلامی	مسعود پورغلامی
شقوط معکوس	سیدضیا هاشمی	مصطفی فرمانی
نگهبانان خورشید	مهدی جعفری	عماد رحمانی – مهرداد محرابی
داستان پو پو	سید امیر محمد فغانلی	سید سعید سیدصالحی
آواز مادر	میشم صفه‌پور	میشم صفه‌پور

فرهیختگان

فرهیختگان



محمدحسین سلطانی

خبرنگار گروه فرهنگ

وقتی اوگتی (سازنده و رانندازی کننده تئاتر سنتی ژاپن یا همان کابوکی)، به همراه دخترهای بازیگرش روی بسن دایره‌ای و گردان تئاتر ژاپنی می‌رفتند، قطعاً گمان نمی‌کردند روزگاری به‌جای سامورایی‌های اشرافی و طبقهٔ فرودست کیوتو (شهری در شرق ژاپن)، مردمی از غرب دور رویه‌روی ابداع او در تئاتر بنشینند. اوگتی اولین کسی بود که تخته چوبی دایره‌ای را برداشت و با چرخ‌دنده‌ای زیرش تئاتر گردان را خلق کرد که سامورایی‌ها از حرکت و جابه‌جایی صحنه انگشت‌به‌دهان بمانند. درست در همان زمان شاه‌سلطان حسین صفوی در ایران حکمرانی می‌کرد و «تئاتر» هنوز پیش به ایران باز نشده بود و ناصرالدین‌شاهی نبود که سوغاتی از فرنگ بیاورد. حدود ۲۰۰ و چند سال پس از آن روزها، یک‌نمایش با همان تخته چوبی گرد (البته کمی بزرگ‌تر) روی صحنه می‌رود. داستان از سالی شروع می‌شود که چراغ‌هایش خاموش شده، تماشاگران منتظرند یکی از سیاسی‌ترین نوشته‌های دیکتور روی صحنه برود؛ نمایش موزیکال «الیور توئیست» است به کارگردانی حسین پارسایی. از اواخر مهر ۱۴۰۴ در استادیوم تیس مجموعه انقلاب اجرا می‌شود و از تولیدات پرستاره این سال‌های نمایش کشور محسوب می‌شود. حضور هوتن شکیبا، بهنوش طباطبایی، بانینال شومون، سیامک انصاری و کاظم سیاحی به‌چشم می‌خورد و مخاطب‌پرلیشان سوت می‌کشد و کف می‌زند. دیگر خبری از سامورایی هانیتس، طبل و کابوکی هم وجود ندارند. از دوسوی سالن نور زوری پرده می‌افتد و کم‌کم پرده کنار می‌رود. سن شروع به چرخیدن می‌کند و یک دکور چهاروجهی مخاطب را با انگلیس پس از انقلاب صنعتی روی‌پرومی‌کند. کمی بعدتر از ماجراهای کابوکی و قصه‌هایش، حالا کارگردان این معرکه و به‌ره‌روی مانسته است. پارسایی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از مسیر حرفه‌ای خود، نگاهش به تئاتر موزیکال، اقتصاد تئاتر خصوصی و علت بازتولید «الیور توئیست» پس از هشت‌سال می‌گوید.

■ ■ ■

شروع فعالیت‌های حرفه‌ای شما به دهه ۶۰ برمی‌گردد؛ اما در سال‌های اخیر نامتان با اجرای نمایش‌های موزیکال گروه‌خورده است. ایده حرکت به سمت این مدل از نمایش از کجا آغاز شد؟

من از نوجوانی علاقه‌مند به موسیقی بودم. در دوران ما منابع و تئاتر‌های موزیکال خیلی محدود بود؛ اما همان انیمیشن‌ها و فیلم‌های اندکی که حال‌وهوای موزیکال داشتند برایم الهام‌بخش بودند. بعدها که دسترسی به منابع بین‌المللی بیشتر شد، به دنبال این علاقه رفتم. همیشه تمایل داشتم نمایشی بسازم که زبان شاعرانه و موسیقایی داشته باشد. برای من نمایش موزیکال فقط فرمی اجرایی نیست، بلکه زبانی برای گفت‌وگر با احساسات انسان است. آن زمان اصلاً به وجه تجاری و بیزینسی این کار فکر نمی‌کردم و هنوز هم نمی‌کنم. هدف من کشف بود، نه درآمد. دلم می‌خواست کاری انجام دهم که حرفه‌ای و تأثیرگذار باشد، طوری که تماشاگر آن را بپذیرد و دوست داشته باشد. در واقع سال‌ها حتی در تئاتر‌های اجتماعی، سعی می‌کردم به نوعی از موسیقی و ریتم بهره ببرم تا تجربه‌ای شبیه موزیکال ایجاد کنم. دو نسخه سینمایی موفق از «الیور توئیست» و «پینوای» برایم الهام‌بخش بودند. احساس می‌کردم این آثار می‌توانند زمینه‌ای برای تجربه‌ای تازه در ایران باشند تا بعد بتوانم آن تجربه را در قالب مضامین ایرانی ادامه دهم. از همین جا بود که نگاه جدی من به تاتر موزیکال شکل گرفت و حالا تقریباً تمام کارهایم با موسیقی درآمخته است.

برخی منتقدان معتقدند شما با جسارت از نسخه‌های جهانی اقتباس می‌کنید.

■ ■ ■

«فرهیختگان» از تولیدات تازهٔ سینمای انیمیشن در سال پیش رو خبر می‌دهد

منتظر انیمیشن جدید باشید



مریم فضایی

خبرنگار گروه فرهنگ

انیمیشن در دنیای امروز دیگر صرفاً یک ابزار سرگرمی نیست، بلکه به یکی از قدرتمندترین رسانه‌های فرهنگی و آموزشی تبدیل شده‌است. آثار انیمیشنی می‌توانند مفاهیم عمیق اخلاقی، تاریخی و اجتماعی را در قالبی جذاب و قابل‌فهم برای همه گروه‌های سنی به‌ویژه کودکان و نوجوانان منتقل کنند. درحالی‌که فیلم‌های زنده معمولاً محدود به مرزهای زبانی و فرهنگی هستند، انیمیشن به‌واسطه زبان جهانی تصویر و تخیل، مخاطبین بین‌المللی دارد و می‌تواند سفیر مؤثری برای فرهنگ و ارزش‌های ملی باشد.

در جهان امروز کشورهایی چون ژاپن، آمریکا و فرانسه با سرمایه‌گذاری هدفمند در صنعت انیمیشن، نه‌تنها اقتصاد فرهنگی خود را رونق داده‌اند، بلکه روایت فرهنگی‌شان را به‌یک‌ی از مؤلفه‌های قدرت‌نرم تبدیل کرده‌اند. برای ایران نیز که گنجینه‌ای از اسطوره‌ها، قصه‌ها و ارزش‌های بومی دارد، انیمیشن می‌تواند بستری کارآمد برای بازآفرینی این میراث و انتقال آن به نسل جدید باشد. به همین دلیل توجه به تولید آثار فاخر در حوزه انیمیشن و سینما صرفاً آف‌آدم هنری نیست، بلکه بخشی از دیپلماسی فرهنگی و هویت‌سازی ملی محسوب می‌شود. ساخت انیمیشن سرمایه‌گذاری بر ذهن و آینده جامعه است. آینده‌ای که در آن تصویر، داستان و تخیل بیش از هر زمان دیگری حرف اول را می‌زند.

در این گزارش به سراغ انیمیشن‌های در حال تولید در ایران رفته‌ایم تا ببینیم مخاطب سینما در ماه‌ها و سال پیش‌رو باید انتظار چه آثاری را داشته باشد. انیمیشی‌هایی که برخی از آن‌ها در مرحله تولید و برخی در آستانه اکران قرار دارند و قرار است رنگ تازه‌ای به سینمای کودک و نوجوان کشور بدهند. این بررسی تلاش دارد تصویری روشن از وضعیت فعلی صنعت پویانمایی ایران ارائه دهد؛ از پروژه‌های بزرگ و فاخر تا آثار مستقلی که با امکانات محدود اما خلاقیت بالا در حال شکل‌گیری‌اند. آثاری که اگر ساخت درست و فیلمنامه و به جلویی داشته باشند، می‌توانند آینده سینمای ایران را تحت‌تأثیر قرار دهند.

■ **اهمیت ادامه‌دادن انیمیشن‌های موفق**

یکی از چالش‌های اصلی صنعت انیمیشن ایران، نبود تداوم در تولید آثار موفق است. بسیاری از پروژه‌هایی که با استقبال مخاطبان مواجه می‌شوند، تنها در یک فصل یا قسمت خلاصه می‌مانند و ادامه پیدا نمی‌کنند. این در حالی است که در جهان، استمرار در تولید انیمیشن‌های محبوب، نه‌تنها باعث حفظ مخاطب می‌شود بلکه به تثبیت برند فرهنگی آن اثر نیز کمک می‌کند.

موفقیت انیمیشن‌هایی مانند «پوز» نشان داد که مخاطب ایرانی، اگر با کیفیت فنی

فرهیختگان